

نقش عوامل زیست محیطی در پدیدایی و تحول شخصیت در نگرش منابع اسلامی

The Role of Environmental Factors in the Emergence and Development of Personality from the Perspective of Islamic Sources

Seyed Mohammad Ali Ayat ¹
Mohammad Sadegh Shojaei ²

سید محمد علی آیت^۱
محمد صادق شجاعی^۲

Abstract

This study aimed to explain the role of environmental factors in the emergence and development of personality from the perspective of Islamic sources. To this end, through a review of the Qur'an and authentic Hadith sources using a descriptive-analytical method, relevant data were collected, coded, evaluated, analyzed, and interpreted. The findings indicate that, according to Islamic sources, air, water, and soil—as the three primary elements of the environment—are considered intrinsic elements of humans and factors in the emergence, as well as the positive and negative development, of their personality. Air is introduced as a factor for the stability of temperament, the strength of personality, and its weakness and stagnation; water is a vital factor for personality and the emergence and negative development of traits such as baseness, covenant-breaking, duplicity, rejection, and wretchedness; and soil is a factor for the stability of personality, the absence of psychopathology, adaptability and maladaptability, and being rigid and strict. It appears that most related theories, except for the perspective of biological determinism, are consistent with the findings of this research. Furthermore, in accordance with Islamic teachings and to prevent the emergence of abnormal personalities or to facilitate positive development and change in personality, migration from unfavorable environmental regions to favorable and moderate ones is recommended.

Keywords: Environment, Air, Water, Soil, Personality, Personality Emergence, Personality Development.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش عوامل زیست محیطی در پدیدایی و تحول شخصیت در نگرش منابع اسلامی انجام شده است؛ از این رو با مرور قرآن و منابع حدیثی معتبر و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های مرتبط گردآوری، کدگذاری، ارزیابی و تحلیل و تبیین شد. یافته‌ها نشان می‌دهد با توجه به منابع اسلامی هوا، آب و خاک به عنوان سه عنصر اصلی محیط زیست، عنصر سرشتی انسان و عامل پدیدایی، تحول مثبت و منفی شخصیت اوست؛ هوا عامل پایداری خلق و خو، نیرومندی شخصیت و ضعف و رکود آن؛ آب عامل حیاتی شخصیت و پدیدایی و تحول منفی صفات شخصیتی همانند پست خوئی، پیمان شکنی، دورویی، طردشدگی و خاری و خاک نیز عامل ثبات شخصیت و فقدان روان‌آزردگی آن، سازگاری و ناسازگاری و خشک و سخت‌گیر بودن او معرفی شده است. به نظر می‌رسد اغلب نظریه‌های مرتبط، به جز دیدگاه جبرگرایی زیستی با یافته‌های این پژوهش همسویی دارند؛ همچنین با توجه به آموزه‌های اسلامی و به منظور پیشگیری از پدیدایی شخصیت ناپه‌نجا یا زمینه‌سازی تحول و تغییر مثبت در شخصیت، مهاجرت از مناطق زیست محیطی نامطلوب به مناطق مطلوب و معتدل پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، هوا، آب، خاک، شخصیت، پدیدایی شخصیت، تحول شخصیت

1. Ph.D. Student, Qur'an and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran

aliayat@gmail.com

2. Assistant Professor of Psychology, Department of Ethics and Education, International Institute for Islamic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Received: 12 March 2025

Accepted: 31 May 2025

۱. دانش پژوه دکتری قرآن و روان شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

aliayat@gmail.com

۲. استادیار روان شناسی، گروه اخلاق و تربیت، پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۱

مقدمه

شخصیت^۱، الگوی سازمان‌یافته از صفات متمایزکننده یک فرد و متضمن فردیت است (لارسن و باس^۲، ۲۰۱۷: ۱۵)، پدیدایی شخصیت^۳ آشکار شدن این تفرد معنا شده (مای‌لی و ربرتو، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، و تحول شخصیت^۴ نیز ناظر به تغییر و دگرگونی‌هایی است که در دوره‌های مختلف رشد انسان، چهره جدیدی از شخصیت را به نمایش می‌گذارد (راس، ۱۳۹۲: ۲۱۲؛ مای‌لی و ربرتو، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

برخی روان‌شناسان پدیدایی و تحول شخصیت را تابع ژنتیک و عوامل زیستی معرفی می‌کنند (مک کری^۵ و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۷۳)؛ با این حال، برخی دیگر با نگاهی نقادانه به دیدگاه پیشین، محیط را عامل اصلی در پدیدایی و تحول شخصیت می‌دانند (رابرتز^۶ و همکاران، ۲۰۰۵) و نظریه‌های شخصیتی فراوانی، تأثیرات محیطی را به عنوان پدیدایی و تحول شخصیت معرفی می‌کنند (مک آدامز و اولسون^۷، ۲۰۱۰)، مثلاً اریکسون (۱۹۵۰) پدیدایی و تحول شخصیت را ناشی از موفقیت یا شکست در چالش‌های اجتماعی خاص در طول رشد می‌دانست و کندلر^۸، (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که عوامل ژنتیکی و محیطی هر دو به پدیدایی و تحول شخصیت کمک می‌کنند، اما عوامل ژنتیکی تنها در دهه‌های اولیه زندگی تأثیر می‌گذارند؛ درحالی‌که تأثیرات محیطی به نظر منبع مادام‌العمر تفاوت‌های بین فردی در تحول شخصیت است؛ همچنین یک پژوهش فراتحلیل طولی بر ۲۱۰۵۷ خواهر و برادر نشان داده است که ثبات و تحول شخصیت در بزرگسالی عمدتاً ناشی از عوامل محیطی می‌باشد (بریلی و تاکر-دراپ^۹، ۲۰۱۴). در نگرش برخی روان‌شناسان تأثیر محیط به اندازه‌ای وسیع است که شخصیت را محصول محیط معرفی کرده‌اند (شجاعی، ۱۴۰۱: ۱۰۵). پژوهش‌های مختلف، محیط زیست را از جمله عوامل مهم محیطی اثرگذار بر پدیدایی و تحول شخصیت انسان معرفی کرده‌اند (آدورنو و همکاران، ۱۹۵۰؛ اینکلز و همکاران، ۱۹۵۸؛ ولبرت و یانگ، ۲۰۱۳؛ کانوی و همکاران، ۲۰۱۴).

محیط زیست شامل کلیه عوامل فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی است که بر افراد و جوامع مختلف تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد

1. personality
2. Larsen & Buss
3. Personality Genesis
4. Personality development
5. McCrae
6. Roberts
7. McAdams & Olson
8. Kandler
9. Briley & Tucker-Drob

(گودیه^۱؛ ۲۰۹۰؛ کومنر^۲، ۱۹۷۱). البته بعضی بر این اعتقادند که محیط زیست قابل تعریف نیست و این واژه یک معنای نسبی به معنای پیرامون دارد، یعنی محیط زیست همواره به معنای محیط زیست یک چیز است (بنسون، ۱۳۸۲: ۱۷). آنچه مهم است اینکه بدانیم محیط زیست مفهومی وسیع و پیچیده می‌باشد که تمام شرایط اقلیمی، جمعیتی و زیبایی شناختی را دربرمی‌گیرد. با توجه به هدف این پژوهش بایستی محدوده‌ای خاص از محیط زیست را در نظر گرفت که همان نفوذ و تأثیرات طبیعت و شرایط آب، هوا و زمین به صورت مستقیم و غیرمستقیم، کوتاه مدت و بلندمدت بر پدیدآیی و تحول شخصیت آشکار شود.

نقش محیط زیست بر ویژگی روان شناختی انسان، از گذشته‌های دور مورد توجه دانشمندان مختلف بوده است. پژوهشگران این فرضیه را پذیرفته‌اند که محیط زیست می‌تواند بر صفات و خصلت‌های شخصیت تأثیر بگذارد (مک کورمیک و همکاران، ۲۰۱۰؛ رجبی، ۱۳۸۰ و آزاد ارمکی، ۱۳۷۴؛ به نقل از شجاعی، ۱۴۰۱).

به نظر اطباء یونان نخستین کسانی بودند که به تأثیرپذیری جسمی و روانی انسان از محیط خود توجه کرده‌اند (کاوندی و شاددل، ۱۳۹۲). بقراط در سده چهارم پیش از میلاد رساله‌ای به نام «آب‌ها، هواها و مکان‌ها»^۳ نوشته و در آن از نقش محیط زیست بر الگوهای رفتاری سخن گفته است (بقراط^۴، ۲۰۰۹)؛ همچنین او در کتاب امراض البلاذیه با بررسی آب و هوای برخی از مناطق دنیا، تغییرات طبع و شخصیت ساکنان این مناطق را یادآور می‌شود، مثلاً در مورد مردم سرزمینی می‌گوید: اخلاق این قوم وحشی و ناآرام است (بقراط، ۱۹۶۹: ۷۱) و درباره مردم سرزمینی دیگر می‌گوید: همانا مردم این دیار اهل نیکی زیاد و دارای اخلاق کریمانه هستند (همان، ۱۶۵). در نوشته‌های افلاطون نیز به نقش محیط زیست بر شخصیت اشاره شده و آمده است قانون‌گذار نباید این عامل را در وضع قوانین از نظر دور بدارد (افلاطون، ۱۳۹۸: ۲۱۸۵). ارسطو نیز علت کامروایی یونانیان و برتری عقلی آنان را آب و هوای معتدل یونان معرفی کرده است (دورانت، ۱۳۹۹: ۲۴۴). منتسکیو^۵ نیز کتابی درباره پیوند جغرافیا با شجاعت و هوش و رفتار و آداب نوشته است (همان). او در کتاب روح القوانين^۶ خود با رویکردی جبری از نقش مستقیم محیط زیست بر

1. Goudie
2. Commoner
3. On Airs, Waters and Places
4. Hippocrates
5. Montesquieu
6. The Spirit of the Laws

وضعیت روان‌شناختی ساکنان مناطق سخن به میان می‌آورد و مدعی است که می‌توان به وسیله سطح حساسیت ساکنان هر منطقه، طبیعت آب و هوا را تشخیص داد (منتسکیو، ۱۳۸۹: ۳۹۳). او ساکنان مناطق سردسیر را واجد اعتماد به نفس، تهوّر و فعالیت می‌داند (همان: ۳۹۱) و آب و هوای گرمسیری را موجب سستی، ناامیدی و از دست دادن تهوّر و شجاعت معرفی می‌کند (همان: ۳۹۲). او تشدید عواطف، جنایات بزرگ، تن‌ندادن به کارهای دشوار، بی‌حرکی، پایبندی به سنت و گرایش به چندهمسری را از نتایج مستقیم آب و هوای گرم برمی‌شمرد (همان: ۴۰۷)؛ همچنین او حاصل‌خیزی و مزروع بودن سرزمینی را موجب تنبلی و تن‌پروری و نیرومند شدن حب حیات در ساکنان آن منطقه معرفی می‌کند (همان: ۲۶۰).

نقش محیط زیست بر شخصیت از نگاه جغرافی‌دانان نیز دور نمانده است؛ برای مثال سمپل و هانتینگتن^۱ معتقدند شرایط جغرافیایی تعیین‌کننده رفتارها، فعالیت‌ها و صفات شخصیتی انسانی است (شکوئی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). سمپل معتقد است محیط زیست، و آب و هوا موجب شده تا مردم اروپای شمالی دارای شخصیتی جدی، پراورزی و فکور باشند و مردم آب و هوای مدیترانه‌ای را احساساتی، خیال‌انگیز، شوخ‌طبع و راحت‌طلب معرفی می‌کند. او کوه‌نشینان را دارای شخصیت محافظه‌کاری و بی‌انگیزه برای ایجاد تغییر می‌داند که دریافت کمتری از جهان بیرون دارند و با این محافظه‌کاری نسبت به بیگانگان شکاکیت بالایی نشان می‌دهند (همان: ۲۵۳-۲۵۴). هانتینگتن از جمله جغرافی‌دانانی است که به نقش محیط زیست و شخصیت پرداخته است. او آب و هوا را عاملی تعیین‌کننده در کارایی جسمی و روانی دانسته و پیشرفت‌های تمدنی را نتیجه انرژی، کارایی، هوشمندی و نبوغ جامعه‌ای معرفی می‌کند که در شرایط آب و هوایی مطلوب زندگی می‌کنند (همان: ۲۵۰).

ابونصر فارابی از جمله فلاسفه اسلامی است که به نقش محیط زیست بر صفات شخصیت پرداخته است. وی در کتاب فصول منتزعه، جنس و نوع معماری را موجب شکل‌گیری صفات و ویژگی‌های روحی روانی ویژه‌ای در افراد دانسته، و می‌گوید: «برخی خانه‌ها در خداوندان آن، خوی‌های گوناگون پدید می‌آورد، مانند خانه‌هایی که در بیابان از چرم و مو فراهم شده است. این‌گونه خانه‌ها در خداوندان آن ملکات بیداری و دوراندیشی پدید می‌آورد و چه بسا افزایش دوراندیشی به گونه‌ای است که دلیری و گستاخی را در پی می‌آورد و خانه‌های مستحکم و

1. Semple, E. & Huntington, E.

استوار و کاخ‌ها در خداوندان آن خوی‌ها و ملکات ترس و بیم و آسایش و آرامش و زینهار و بی‌خونی را پدید می‌آورد» (فارابی، ۱۳۸۸: ۲۷). جماعت اخوان الصفا نیز در رساله نهم خود عوامل زیست محیطی مانند پرابی و کم‌آبی، ارتفاع، دما و شرایط تابش خورشید را از جمله عوامل موثر بر خلق و خو معرفی می‌کنند، آنها بر این نظرند که آب و هوای شمالی سردسیری موجب شعور و شجاعت و زیرکی و آب و هوای گرمسیر جنوبی، عکس این پیامدهای شخصیتی را در پی دارد (عارف، ۱۹۹۲، ج ۱: ۲۰۸).

ابن سینا نیز در کتاب قانون طب پستی و بلندی محیط زیست و مجاورت با کوهستان را موجب چالاکی و دلیری دانسته و پستی و خفگی محل سکونت را زمینه افسردگی و بیماری معرفی می‌کند. وی ساکنان مناطق گرمسیری را بزدل، ترسو و اهل نرمش می‌خواند و افراد مناطق سردسیر را نیرومندتر معرفی می‌کند؛ همچنین مناطق خشک و سنگلاخی را موجب خشک مزاجی و بداخلاقی، خودخواهی، لجبازی و کم‌خوابی ساکنان آن می‌داند (ابن سینا، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۳). ابن مسکویه، معاصر ابن سینا، در کتاب تهذیب الاخلاق به نقش محیط زیست و خصایص شخصیتی اشاره کرده است؛ به باور او هرچه از مناطق شمالی و جنوبی به مناطق میانی نزدیک‌تر می‌شویم هوش، سرعت فهم و پذیرش فضائل در انسان‌ها افزایش می‌یابد. (ابن مسکویه، ۱۳۸۳: ۱۰۷). ابن خلدون از دیگر دانشمندان اسلامی می‌باشد که به نقش محیط زیست و خلق و خو پرداخته است. وی در مقدمه خود به طبیعت کائنات و همچنین طبیعت سرما و گرما و نقش آنها بر خلق و خو می‌پردازد و نشان می‌دهد که بخش عمده وضعیت خلق و خو و بسیاری از علوم و فنون بشری متأثر از محیط زیست است. وی حتی ارسال رسل، ادیان و شرایع را نیز با محیط زیست مرتبط می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۷۰-۱۵۰). در نگاه او ساکنان مناطقی که دارای آب و هوای معتدل‌اند از نظر جسمی و خلق و خو متعادل‌تر هستند و افراد مناطق غیرمعتدل از اعتدال جسمی و روانی به دورند. به گفته او «چون این گروه از اعتدال دورند، طبیعت مزاج‌های ایشان به سرشت جانوران بی‌زبان نزدیک و به همان اندازه از انسانیت دور می‌شوند» (همان: ۱۵۱). ابن خلدون در نگرشی فیزیکی‌لیستی، خلق و خوی ساکنان مناطق گرمسیر را شاداب‌تر تحلیل می‌کند و می‌گوید: شادی انبساط و اندوه انقباض روح حیوانی است؛ بنابراین چون حرارت، بخار و هوا را می‌پراکند و بر حاکمیت آن می‌افزاید، در نتیجه به ساکنان مناطق گرم، شادی و فرح دست می‌دهد (همان: ۱۵۷). وی با تأکید بر نقش محیط زیست، حتی

انتقال خصوصیات شخصیتی از راه وراثت و ژنتیک را زیر سؤال میبرد و میگوید انتقال خصوصیات از نیا به اعقاب پندار گروهی است که از طبایع کائنات و مناطق بیخبرند (همان: ۱۵۶). همچنین نزدیک به یک قرن است که رابطه شرایط اقلیمی و ویژگی‌های روان‌شناختی مورد توجه ویژه روان‌شناسان قرار گرفته است (مک‌کلند^۱، ۱۹۶۱) به تفاوت انگیزه‌ها در اقلیم‌های متفاوت جغرافیایی پرداخته (بوکانان و کانتریل^۲، ۱۹۵۳) و بر تنوع ارزش‌ها در اقلیم‌های مختلف متمرکز شده‌اند (گارلینگ و گولج^۳، ۱۹۹۳؛ رنتفرو^۴، ۲۰۱۴ و اوبشونکا^۵ و همکاران، ۲۰۲۱) نیز به نقش عوامل جغرافیایی و محیط زیست بر رفتار و دیگر جنبه‌های روان‌شناختی انسان پرداخته‌اند.

از نخستین پژوهش‌هایی که به نقش محیط زیست و شخصیت اشاره کرده‌اند می‌توان به آدورنو^۶ و همکاران (۱۹۵۰) و اینکلز^۷ و همکاران (۱۹۵۸) اشاره کرد. آدورنو در پژوهش خود به رابطه اقلیم و اقتدارگرایی پرداخته و اینکلز به نقش اقلیم جغرافیایی و مدل شخصیتی و سازگاری توجه کرده است. پس از آن پژوهش‌های تجربی فراوانی به نقش محیط زیست و شخصیت متمرکز کرده‌اند؛ چنان‌که می‌توان این حوزه را از زمینه‌های جدید و جذاب برای پژوهشگران به شمار آورد. ولیرت و یانگ^۸ (۲۰۱۳) در پژوهشی به این پرسش پرداخته‌اند که چه ویژگی‌های اقلیمی و زیست‌محیطی می‌تواند زمینه شخصیت جمع‌گرایی افراد را فراهم کند و جمع‌گرایان در کجای زمین زندگی می‌کنند؛ همچنین پژوهش برای اینکه چه مناطق جغرافیایی و زیست‌محیطی زمینه پدیدایی فردگرایی در افراد را تقویت می‌کند (کانوی^۹ و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهشی دیگر به این پرسش می‌پردازد که آیا ویژگی‌های جغرافیایی و زیست‌محیطی می‌تواند الگوهای رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی خاصی را پرورش دهد؟ این تحقیق نشان داده است که تنوع جغرافیایی بر رفتار، شخصیت و ارزش‌های افراد تأثیر می‌گذارد (مورای و شالر^{۱۰}، ۲۰۱۴)، جوری آلیک و رابرت مک‌کری^{۱۱} (۲۰۰۴) در ۳۶ منطقه جغرافیایی به بررسی مدل پنج عاملی شخصیت پرداخته‌اند. پژوهش‌ها به صورت خاص، تفاوت‌های شخصیتی در محیط زیست

1. McClelland
2. Buchanan & Cantril
3. Garling & Golledge
4. Rentfrow
5. Obschonka
6. Adorno
7. Inkeles
8. Vliert & Yang
9. Conway
10. Damian, R. M. & Mark Schaller
11. Allik & McCrae

و جغرافیای متفاوت کشورهای مختلف را نیز بررسی کرده‌اند؛ برای مثال درباره ویژگی‌های شخصیتی و تنوع جغرافیایی و محیط زیستی کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده (رنتفرو^۱، ۲۰۱۴؛ المان^۲ و همکاران، ۲۰۱۸)، چین (خو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲)، سوئیس (گوتز^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)، روسیه (آلیک و همکاران، ۲۰۰۹) و انگلستان (رنتفرو^۵ و همکاران، ۲۰۱۵) مشاهده شده است.

اویشی^۶ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود درباره ارتباط درون‌گرایی و برون‌گرایی شخصیت با جغرافیا به این نتیجه رسیدند که افراد درون‌گرا تمایل بیشتری به زندگی در کوهستان دارند؛ درحالی‌که برون‌گراها مناطق مسطح و باز را ترجیح می‌دهند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد درون‌گرا و فردگرا خواهان زندگی در مناطق کوهستانی هستند. در تبیین این یافته‌ها خو و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند از آنجا که مناطق کوهستانی اغلب از نظر محیطی سخت و خشن می‌باشند و تعاملات اجتماعی در آنها دشوار است؛ از این رو آثار پایدار شخصیتی بر ساکنانی که در چنین مکان‌هایی زندگی می‌کنند بر جای می‌گذازند. گوتز^۷ و همکاران (۲۰۲۲) دو دلیل احتمالی را در این زمینه شناسایی کرده‌اند؛ عامل اول تاریخی و به این معناست که محیط‌های کوهستانی به‌طور سنتی مجموعه‌ای منحصر به فرد از افراد را به خود جلب کرده که برای زندگی در طبیعت ارزش قائل‌اند و آماده جدایی از دیگران را دارند و مورد دیگر این است که افراد به دلیل محیط خشن کوهستانی، محتاط و طرفدار روابط اجتماعی نیستند؛ زیرا این محیط آنها را مجبور به پرهیز از کارهای مخاطره‌آمیز برای تضمین بقای خود می‌کند. در پژوهش‌های دیگری (یلات^۸ و همکاران، ۲۰۰۲) به این نتیجه دست یافتند که ساکنان مناطق کوهستانی دارای ذهنی بازتر و کنجکاوتری هستند و گشودگی به تجربه بالاتر و روان‌رنجوری پایین‌تری را نشان می‌دهند؛ همچنین سیانی و کاپیلویی^۹ (۲۰۱۱) نشان دادند که این افراد دارای خوداتکایی بالاتر و پایداری عاطفی هستند. گوتز و همکاران (۲۰۲۰) نیز به این نتیجه رسیدند که ساکنان مناطق کوهستانی از نظر توافق‌پذیری، برون‌گرایی، روان‌رنجوری و وظیفه‌شناسی امتیاز کمتری دارند، اما در گشودگی به تجربه امتیاز بالاتری را به دست می‌آورند.

1. Rentfrow
2. Elleman, L.
3. Xu, L.
4. Götz
5. Rentfrow
6. Oishi, S.
7. Götz
8. Plaut
9. Ciani & Capiluppi

همچنین ون دولیرت^۱ (۲۰۰۸) سازگاری و انطباق شخصیت را متأثر سطح انحراف از آب و هوای معتدل^۲ می‌داند و مدعی است شرایط اقلیمی سردتر یا گرم‌تر از دمای بدن انسان (حدود ۲۲ درجه سانتیگراد) مردم را مجبور می‌کند برای سازگاری و انطباق، بیشتر تلاش کنند؛ همچنین تلهم و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به رابطه استقلال شخصیتی و نسبت تراکم جمعیت نسبت سطح زمین کشت پذیر اشاره کرده‌اند، آنها نشان می‌دهند مردمی که در مناطق کشت برنج زندگی می‌کنند به طور کلی به دیگر مردمی که پیرامون آنان هستند بیشتر وابستگی دارند؛ درحالی‌که مردم ساکن مناطق کشت گندم درمجموع به مردم پیرامون خود وابستگی کمتر و استقلال بیشتری نشان می‌دهند. ماتسوموتو و جوانگ (۳۷:۱۴۰۰) نیز به تراکم جمعیتی و نقش آن در ویژگی‌های روان‌شناختی مردم شهرهای مختلف با تراکم جمعیتی مختلف اشاره کرده‌اند.

چنان‌که در پیشینه پژوهش بیان شد، پژوهشگران نقش محیط زیست در پدیدایی و تحول شخصیت را با رویکردهای پزشکی، فلسفی، روان‌شناختی، جغرافیایی و... بررسی کرده‌اند و در این رابطه نظریه‌های مختلف با رویکردهای گوناگون شکل گرفته است؛ اما در این میان، پژوهشی یافت نشد که با تمرکز و تأکید بر منابع اسلامی به نقش محیط زیست بر پدیدایی و تحول شخصیت پرداخته باشد؛ از این رو پژوهش حاضر با مرور منابع اسلامی یعنی قرآن و روایات در پی تبیین قرآن‌بنیان تأثیر محیط زیست بر پدیدایی و تحول شخصیت برآمده است. در منابع اسلامی نیز به نقش عوامل زیست‌محیطی در خصوصیات و ویژگی‌های افراد اشاره شده است. امام صادق علیه السلام بهزیستی را در گرو سه عامل هوای پاک، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز^۳ بیان کرده است (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۵: ۲۳۴). در این روایت هر سه مورد، عناصر اصلی محیط زیست هستند و آشکارا به نقش محیط زیست در بهزیستی جسمی و روانی انسان تأکید شده است. با توجه به تنوع و تعدد مصادیق محیط زیست، پژوهش حاضر به بررسی سه عنصر و مصداق اصلی زیست‌محیطی، یعنی هوا، آب و زمین در پدیدایی و تحول شخصیت می‌پردازد.

1. Van de Vliert

2. deviation from temperate climate

۳. قال الصادق علیه السلام: لَا تَطِيبُ الشُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ، الْهَوَاءُ الطَّيِّبُ وَ الْمَاءُ الْغَزِيرُ الْعُذْبُ وَ الْأَرْضُ الْخَوَازَةُ.

روش و ابزار پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. در این روش محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آنها را دستکاری یا پایش نمی‌کند و تنها آنچه را مطالعه، توصیف و تشریح می‌کند که وجود دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۴۸)؛ از این رو پژوهش حاضر پس از بررسی پیشینه پژوهشی در رویکردهای مختلف، با توجه به مسئله پژوهش به مرور منابع اسلامی قرآن و روایات به جمع‌آوری و کدگذاری داده‌های مرتبط با محیط زیست (هوا، آب و زمین) و شخصیت (نفس، شاکله، روح، قلب، مزاج و طبع) پرداخته و داده‌های بالقوه را ارزیابی، تحلیل و تبیین کرده است.

یافته‌ها

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد پدیده‌های زیست‌محیطی مورد تأکید و توجه خاص قرآن و روایات قرار دارند؛ فراوانی واژه‌های مربوط به محیط زیست در قرآن کریم مانند: زمین، ۱۵۴۱ مرتبه؛ آسمان، ۳۱۰ مرتبه؛ آب، ۶۴ مرتبه؛ کوه و درخت هر کدام ۲۷ مرتبه و... نشان‌دهنده این توجه و اهمیت است. در موارد مختلفی نیز به پدیده‌های زیست‌طبیعی مانند خورشید، ماه، ستاره، زمین، آسمان (ر.ک: شمس ۱-۷ و نجم ۱) و... قسم یاد می‌کند که این امر نیز نشان‌دهنده اهمیت جایگاه محیط زیست در نگرش قرآن کریم است. دعوت به تفکر و تدبیر در محیط زیست نیز از موارد دیگر تأکید قرآن کریم بر اهمیت و توجه به پدیده‌های زیست‌محیطی است.^۱ آیات ۱۹۰-۱۹۱ سوره آل عمران، خلقت آسمان‌ها و زمین را آیاتی برای خردمندان معرفی می‌کند و خردمندان را نیز اهل اندیشه و تفکر در آسمان‌ها و زمین می‌خواند؛^۲ همچنین آیه ۱۶۴ سوره بقره آسمان‌ها و زمین، شب و روز، آب باران، زنده و سرسبزی زمین پس از بی‌جانی آن، باده‌ها و ابرها و... از جمله نشانگان آشکار خداوند برای خردورزان معرفی کرده است.^۳

«هوا» از عناصر اصلی زیست‌محیطی می‌باشد که مورد توجه منابع اسلامی قرار گرفته است.

۱. أَقْلَمَ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ - وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ - تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (ق ۶-۸).

۲. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا شَيْخَانِكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

۳. إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا تَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَتَ بِهِ الْأَرْضُ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبُ الرِّيحُ السَّحَابَ الْمُسَخَّرَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

قرآن کریم باد را (حرکت هوا در زمین)^۱، نویدبخش زندگی انسان خوانده^۲ و بنابر آموزه‌های اسلامی، هوا از عناصر اولیه خلقت هستی معرفی شده است. در حدیثی امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: به راستی خدای عزوجل عرش را بر چهار چیز خلق کرد که پیش از آن جز هوا، قلم و نور، چیزی خلق نکرده بود^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۶: ۳۲۵)؛ با توجه به این حدیث، هوا از جمله آفریده‌های نخست خدای متعال است. در تفسیر آیه «... وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (هود/ ۷) نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: و آن درباره ابتدای خلقت است که پروردگار تبارک و تعالی هوا را آفرید... سپس ظلمت را از هوا خلق کرد و نور و آب و عرش و عقیق، یعنی باد شدید و آتش را از هوا خلق کرد و سپس همه چیز را از این شش چیزی که مبنای خلقت آنها نیز هوا است، خلق کرد...^۴ (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ج ۱: ۳۲۱). این دو روایت به روشنی نقش مهم و بنیادین هوا در خلقت همه موجودات را نشان می‌دهد و اشاره می‌کند که هوا قبل از انسان موجود بوده و خلقت انسان و همه موجودات از شش چیزی است که مبنای خلقت آن شش چیز نیز هوا است؛ از این رو می‌توان گفت هوا عنصر اصلی در زیست انسان می‌باشد و بی‌تردید در ابعاد مختلف زندگی او (از جمله شخصیت) نقش اساسی ایفا خواهد کرد.

چنان‌که پیش از این گفته شد در آموزه‌های اسلامی هوای پاک یکی از ارکان بهزیستی انسان معرفی شده^۵ (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۷۵: ۲۳۴) و نقش روان‌شناختی هوا در پدیدایی و تحول شخصیت از توجه منابع اسلامی دور نمانده است. امام کاظم علیه السلام در تبیین ضرورت و نقش هوا در شکل‌گیری خلق و خو و پایداری حیات انسان می‌فرماید: طبع انسان بر چهار چیز نهاده است؛ یکی از آنها هواست که شخص، جز به آن و وزیدنش زنده نمی‌ماند^۶ (کلینی، ۱۳۸۷: ج ۸: ۲۳۰) و امام رضا علیه السلام در رساله ذهبیه در ضمن حدیثی مفصل، نیرومندی نفس را تابع مزاج و مزاج را تابع هوا معرفی کرده‌اند. ایشان در بخشی از این روایت می‌فرماید: بدان که

۱. الریح أنه هواء متحرك (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۴: ۲۸۸).
۲. وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَنِي يَدَيِّ رَحْمَتِهِ (اعراف/ ۵۷).
۳. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَرْشَ أَرْبَاعًا لَمْ يَخْلُقْ قَبْلَهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ الْهَوَاءَ وَالْقَلَمَ وَالنُّورَ...
۴. وَقَوْلُهُ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَذَلِكَ فِي مَبْدَأِ الْخَلْقِ، إِنَّ رَبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْهَوَاءَ ثُمَّ خَلَقَ الْقَلَمَ فَاَمَرَهُ أَنْ يَجْرِيَ فَقَالَ يَا رَبِّ بَمَا أَجْرِي فَقَالَ بَمَا هُوَ كَائِنٌ ثُمَّ خَلَقَ الظِّلْمَةَ مِنَ الْهَوَاءِ وَخَلَقَ النُّورَ مِنَ الْهَوَاءِ وَخَلَقَ الْمَاءَ مِنَ الْهَوَاءِ وَخَلَقَ الْعَرْشَ مِنَ الْهَوَاءِ وَخَلَقَ الْعَقِيمَ مِنَ الْهَوَاءِ وَهُوَ الرِّيحُ الشَّدِيدُ وَخَلَقَ النَّارَ مِنَ الْهَوَاءِ وَخَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ مِنْ هَذِهِ السَّتَةِ الَّتِي خَلَقْتَ مِنَ الْهَوَاءِ فَسَلَطَ الْعَقِيمَ عَلَى الْمَاءِ فَضَرَبَتْهُ فَأَكْثَرَتِ الْمَوْجُ وَالزَّبَدُ وَجَعَلَ يَثُورُ دَخَانُهُ فِي الْهَوَاءِ.
۵. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا تَطْيِبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ، الْهَوَاءُ الطَّيِّبُ وَالْمَاءُ الْغَزِيرُ الْعَذْبُ وَالْأَرْضُ الْخَوَّازَةُ.
۶. مُحَمَّدٌ عَنْ ابْنِ سِتَّانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ يَقُولُ طَبَائِعُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةِ فِئَتٍ الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَخْتِا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَتَسِيُمُوهُ وَ يُخْرِجُ مَا فِي الْجِسْمِ مِنْ دَاءٍ وَ عَفْوَةٍ وَ الْأَرْضُ الَّتِي قَدْ تَوَلَّدَ الْيُبْسُ وَالْحَرَارَةُ وَ الطَّعَامُ وَ مِنْهُ يَتَوَلَّدُ الدَّمُ لَا تَرَى أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْمَعْدَةِ فَتَغْذِيهِ حَتَّى يَلِينُ ثُمَّ يَصْفَوْ فَتَأْخُذُ الطَّبِيعَةُ صَفْوَهُ دَمًا ثُمَّ يَنْخَلِطُ الثَّقُلُ وَ الْمَاءُ وَ هُوَ يُؤَلَّدُ الْبَلْغَمُ.

نیرومندی نفس انسان تابع مزاج بدن است و مزاج، تابع هواست. مزاج آدمی با تغییر شرایط هوا در مکان‌های مختلف تغییر می‌کند؛ اگر در جایی هوا سرد شود و در جای دیگر گرم، شرایط مزاجی بدن تغییر می‌کند و اثر این تغییرات در چهره نمایان خواهد شد. اگر هوای آن مکان معتدل باشد، مزاج نیز معتدل خواهد بود و کارکردهای طبیعی مزاج مانند هضم غذا، رابطه جنسی، خواب، تحرک و سایر کنش‌ها سامان می‌یابد^۱ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۹: ۳۱۶). برای بررسی این حدیث، نخست لازم است در مورد دو کلیدواژه روان‌شناختی «نفس» و «مزاج» بحث شود. «نفس» در واژه‌نامه‌ها به معانی شخص، روح، خون، حقیقت چیزی، قصد و نیت به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۷۰؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۳: ۹۸۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۴۷) و در قرآن و روایات نیز به معانی گوناگونی همچون شخص انسان و جان او^۲، خود یا خویشتن^۳، روح^۴، غریزه^۵، وجدان اخلاقی^۶ و کمالات انسانی^۷ به کار رفته است. با این وصف در تبیین روان‌شناختی این واژه می‌توان گفت: نفس بیانگر ساخت اولیه شخصیت می‌باشد که درون خود، عناصری فطری و غریزی دارد (بشیری، ۱۳۹۱). کلیدواژه دوم «مزاج» است که در واژه‌نامه‌ها به معنای ترکیب شده از دو یا چند چیز است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۷۲) و «مزاج البدن» به معنای طبع و سرشتی می‌باشد که بدن از آن تشکیل شده است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۴۱). این واژه در ادبیات روان‌شناسی نیز با اصطلاح Temperament به معنای «خلق و خو» به چشم می‌خورد. دائرة المعارف شخصیت و تفاوت‌های فردی^۸ درباره تعریف این واژه می‌گوید هرچند نظریه‌های مختلف در مورد تعریف خلق و خو اتفاق نظر ندارند؛ با این حال، برخی ویژگی‌ها در توصیف این مفهوم وجود دارد که اکثر محققان بر آن توافق دارند. واژه «خلق و خو» (الف) جزء شخصیت است؛ (ب) از اوایل دوران نوزادی وجود دارد (ج) دارای پس‌زمینه بیولوژیکی است؛ (د) تاحدی از نظر ژنتیکی تعیین می‌شود؛ به طور قابل توجهی در مقایسه با سایر ویژگی‌های شخصیتی پایدار است و

۱. ...وَ اعْلَمَ أَنَّ قُوَّةَ النَّفْسِ تَابِعَةٌ لِمَزَاجَةِ الْإِبْدَانِ وَأَنَّ الْمَزَاجَةَ تَابِعَةٌ لِلْهَوَاءِ وَتَتَغَيَّرُ بِحَسَبِ تَغْيِيرِ الْهَوَاءِ فِي الْأَمْكَنَةِ فَإِذَا بَرَدَ الْهَوَاءُ مَرَّةً وَ سَخُنَ أُخْرَى تَغَيَّرَتْ بِسَبَبِهِ مَزَاجَةُ الْإِبْدَانِ وَ أَثَرُ ذَلِكَ التَّغْيِيرُ فِي الصُّورِ فَإِذَا كَانَ الْهَوَاءُ مُعْتَدِلًا اِعْتَدَلَتْ مَزَاجَةُ الْإِبْدَانِ وَ صَلَحَتْ تَصَرُّفَاتُ الْمَزَاجَةِ فِي الْحَرَكَاتِ الطَّبِيعِيَّةِ كَالْهَضْمِ وَ الْجَمَاعِ وَ النَّوْمِ وَ الْحَرَكَةِ وَ سَائِرِ الْحَرَكَاتِ...

۲. أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ (مانده/ ۴۵).

۳. قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ (تحریم/ ۶).

۴. اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا (زمر/ ۴۲).

۵. إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَا رَزَمَ رَبِّي (یوسف/ ۵۳).

۶. وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامت/ ۲).

۷. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (فجر/ ۲۷).

در حیوانات نیز وجود دارد (شاکلفورد و زیگلر^۱، ۲۰۲۰).

پس براساس این روایت می‌توان گفت: اولاً نفس به عنوان ساخت اولیه و کلی شخصیت دست‌کم در زمینه ضعف و قوت، ناتوانی و توانمندی قابلیت تحول دارد؛ ثانیاً این تحول ساختاری شخصیت می‌تواند متأثر از خلق و خوی افراد و مزاج آنها باشد؛ ثالثاً تحول در خلق و خوی می‌تواند ناشی از تغییرات کیفیت هوا باشد؛ رابعاً اعتدال هوا موجب بهبود کنشوری روانی حرکتی خلق و خوی می‌شود و زندگی در هوای گرم یا سرد زمینه اختلال در کنش خلق و خوی خواهد شد. چنان‌که امام رضا علیه السلام در رساله ذهبیه به نیرومندی نفس و اثرپذیری آن از کیفیت هوا اشاره کرده‌اند. امام صادق علیه السلام نیز در توحید مفضل به ضعف و رکود نفس در اثر کیفیت هوا اشاره داشته‌اند؛ حضرت به مفضل می‌فرماید: ای مفضل! تو را از باد و خواص آن آگاه می‌کنم. نمی‌نگری که هنگام خوابیدن و رکود باد، چگونه مصیبت به پا می‌شود و نفوس را در معرض آسیب قرار می‌دهد، سالمان را بیمار و زار و بیماران را هلاک و میوه‌ها را نابود و دانه‌ها و سبزی‌ها را آلوده و بی‌سود می‌کند. وبا را به دنبال دارد و غلات را نابود می‌سازد. پس وزش بادهای از تداویر و حکمت‌های حکیم و آفرینشگر است که به صلاح جهان و جهانیان در جریان می‌افتد^۲ (مفضل بن عمر، بی‌تا: ۱۴۰). در بخش دیگری از توحید مفضل، امام صادق علیه السلام در تعبیری عام می‌فرماید: و خلاصه آنکه باد (حرکت هوا) همه چیز را بر روی زمین زنده می‌کند. اگر باد نبود رویدگان می‌پژمردند، جانداران می‌مردند و همه چیز تفتیده و فاسد می‌شد^۳ (همان: ۱۴۲). می‌توان گفت امام صادق علیه السلام در این روایت به آثار رکود و خاموشی حرکت هوا بر نفس (ساختار اولیه شخصیت) اشاره می‌فرماید که نشانگر جنبه‌های آسیب‌شناختی نقش هوا در پدیدایی و تحول شخصیت است.

«آب» عنصر زیست‌محیطی دیگری است که مورد توجه خاص آموزه‌های دینی می‌باشد؛

1. Shackelford & Zeigler-Hill

۲. وَأَنْتَ هَيْكَلٌ يَا مُفَضَّلُ عَلَى الرِّيحِ وَمَا فِيهَا أَلَسْتَ تَرَى رُجُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يُحْدِثُ الْكَزْبُ الَّذِي يَكَادُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّفْسِ وَ يُغْرِضُ الْأَصْحَاءَ وَ يَنْهَكُ الْمَرْضَى وَ يُفْسِدُ الْإِمَارَ وَ يُعَقِّقُ الْبَقُولَ وَ يُعَقِّبُ الْوَبَاءَ فِي الْأَبْدَانِ وَ الْأَفْئَةِ فِي الْغَلَاتِ فَفِي هَذَا بَيَانٌ أَنَّ هُبُوبَ الرِّيحِ مِنْ تَذْوِيرِ الْحَكِيمِ فِي صَلَاحِ الْخَلْقِ.

۳. وَ بِالْجُمْلَةِ أَنَّهَا تُخَيِّبُ كُلَّمَا فِي الْأَرْضِ فَلَوْلَا الرِّيحُ لَدَوَى النَّبَاتُ وَ مَاتَ الْحَيَوَانُ وَ حُمَّتِ الْأَشْيَاءُ وَ فَسَدَتْ.

چنان‌که قرآن کریم از آن با تعبیری همچون نعمت^۱، رحمت^۲، برکت^۳ و رزق^۴ یاد کرده و بر پایه آموزه‌های قرآنی، آب هم منشأ اصل زندگی^۵ و هم منشأ تداوم زندگی^۶ معرفی شده است. خداوند در آیه ۳۰ سوره انبیاء، آب را منشأ حیات و زندگی همه چیز معرفی کرده و امام صادق (ع) با اشاره به همین آیه فرموده است: «طعم آب، طعم زندگی است»^۷ (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۳۸۱). مفسران با توجه به اطلاق دلالت این آیه، هر شیء دارای رشدی را مشمول آن معرفی کرده‌اند؛ خواه حیوان باشد، خواه گیاه، درخت و... (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۲۲: ۱۳۸) و صاحب تفسیر المیزان بر این باور است که بیان ارتباط زندگی با آب (با توجه به دستاوردهای علمی) معجزه ماندگار قرآن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۲۷۹).

سازه شخصیت نیز یک سازه زنده و پویاست^۸ و می‌تواند مشمول آیه ۳۰ سوره انبیاء قرار گیرد؛ با این فرض آب نه تنها حیات و زندگی جسمی انسان را موجب می‌شود، بلکه سرزندگی روانی^۹ و حیات شخصیت او نیز به کیفیت و شرایط بهره‌مندی از آب وابسته است. شاید به همین علت است که امام علی (ع) در مذمت شخصیت اهل بصره به خوی پست، پیمان‌شکنی و دورویی آنها با توصیفی مشعر به تعلیل، آب بی‌کیفیت و شور و همچنین نزدیک دریا زندگی کردن آنها را مورد اشاره قرار می‌دهد^{۱۰} (نهج البلاغه: خطبه ۵۶: ۱۳). امیرالمؤمنین (ع) در این بیان دقیق که آب شور، نزدیکی به آب، بدبویی و کثیفی زمین مجاور آب و گودی زمین را به عنوان عوامل زیست محیطی معرفی می‌کند که در وضع روانی انسان اثر می‌گذارد و تفسیر طبعی موجودیت انسانی را به طور رسمی از معارف ضروری قلمداد می‌کند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۶۸-۱۶۹)؛ همچنین حضرت زهرا (س) در فرازی از خطبه فدکیه در توصیف ویژگی‌های

۱. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ... وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (ابراهیم/ ۳۲-۳۴).
 ۲. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ (روم/ ۳۰).
 ۳. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (اعراف/ ۹۶).
 ۴. وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (ذاریات/ ۲۲).
 ۵. وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ (نور/ ۴۵)؛ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا (فرقان/ ۵۴).
 ۶. وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیاء/ ۳۰).
 ۷. قَالَ الصَّادِقُ (ع): طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ.

۸. نظریه پردازان مختلف، تعاریف گوناگونی در مورد شخصیت ارائه کرده‌اند؛ تا آنجا که در سال ۱۹۳۷ آلپورت پنجاه تعریف مختلف را جمع‌آوری کرده است (پنینگتون، ۲۰۰۳)؛ با این حال می‌توان گفت همه این دیدگاه‌ها در تعریف خود، پدیدایی، پویایی، رشد و تحول سازه شخصیت را به شکل‌های گوناگون مورد توجه قرار داده‌اند. ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که موجود زنده را از دیگر موجودات متمایز می‌کند.

9. Vitality

۱۰. أَخْلَقْتُكُمْ دِقَاقَ وَ عَهْدْتُكُمْ شِقَاقَ وَ دِينُكُمْ نِفَاقَ وَ مَاؤُكُمْ رُعَاقَ... يَلَاذِكُمْ أَنْتُمْ يَلَاذِ اللَّهِ تُزِيَّةُ أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ.

شخصیتی و وضعیت روان‌شناختی پیش از اسلام مخاطبان خود به کیفیت آب مصرفی آنها اشاره می‌فرماید: «از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدید که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند»^۱ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۹: ۲۲۴). از این بیان نیز رابطه همبستگی آب با ویژگی‌های شخصیتی نابهنجار به نظر می‌رسد؛ چه آنکه حضرت زهرا (ع) در کنار توصیف ویژگی‌های شخصیتی همچون خوار و مطرود بودن و... به کیفیت آب مصرفی آنها اشاره می‌فرماید که نوعی رابطه همبستگی بین این متغیرها را نشان می‌دهد.

«خاک» یکی دیگر از اصلی‌ترین عناصر زیست‌محیطی است که مورد توجه ویژه آموزه‌های دینی قرار گرفته است. قرآن کریم خاک را منشأ خلقت انسان^۲ و به عنوان عنصر اصلی حیات انسان معرفی شده است.^۳ با توجه به آموزه‌های قرآنی زمین، نه تنها منشأ خلقت و عنصر اولیه حیات انسان است، بلکه ساحت‌های روان‌شناختی او نیز تحت تأثیر زمین قرار دارد. قرآن کریم زمین را قرارگاه و محل آسایش و آرامش انسان^۴ معرفی می‌کند. با توجه به واژه «مهاد» که به معنای بستر و قرارگاهی است که فرد بر آن آرامش و آسایش می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۶۱)، به نظر می‌رسد کیفیت بهره‌مندی انسان از زمین در پدیدایی و تحول ثبات شخصیت^۵ و فقدان روان‌آزردگی^۶ شخصیت، ایفاء نقش می‌کند؛ زیرا در نگاه قرآن، زمین به دو دسته پاک و ناپاک تقسیم می‌شود و هر یک برون‌داد و محصول متناسب خود را به بار می‌آورد^۷ (اعراف / ۵۸). زمین پاکیزه به اذن الهی، نتایج مبارک و پاک به ثمر می‌نشانند و زمین ناپاک موجب نتایج بی‌ارزش و کم‌بها خواهد شد. با توجه به آیه ۶ سوره نبا که یکی از نتایج و آثار زمین را آرامش و قرار انسان معرفی کرده، می‌توان با القای خصوصیت از محصولات گیاهی، آثار روان‌شناختی را نیز از جمله آثار زمین و بلد طیب و بلد خبیث در نظر داشت.

۱. تَشْرِيبُونَ الطَّرْفَ، وَ تَقْنَأُونَ الْقَدَّ، اِذْلَّةَ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ.

۲. هُوَ اَنْشَأَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا (هود/ ۶۱).

۳. برای نمونه: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ (حج / ۵)؛ وَمِنَ آيَاتِهِ اَنْ يَخْلُقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ (روم / ۲۰)؛ وَاللّٰهُ يَخْلُقُكُمْ مِّنْ تُرَابٍ... (فاطر / ۱۱)؛ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ... (غافر / ۶۷)؛ أَكْفَرْتُمْ بِالَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ... (كهف / ۳۷) و....

۴. اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَادًا (نبا/ ۶).

5. Stability of Personality

6. Neuroticism

۷. وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتًا بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش رمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند، گونه‌گون بیان می‌کنیم)

در نگاه منابع اسلامی، تفاوت‌های شخصیتی و کیفیت شکل‌گیری روابط اجتماعی مبتنی بر آن نیز ناشی از خاک معرفی شده است. امام علی (ع) تفاوت انسان‌ها را متأثر از تفاوت خاکی دانسته که سرشت و طینت آنها از آن سرشته شده است، سازگاری و ناسازگاری مردم نیز از همین روست؛ به این معنا که مردم به اندازه نزدیکی و شباهت این سرشت اولیه به یکدیگر تمایل و قرابت دارند و و به اندازه دوری آن از هم با یکدیگر ناسازگارند^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴). با توجه به اینکه شخصیت روان‌شناختی، مرتبه نازل طینت به شمار می‌رود (نوروزی، ۱۳۸۳)، براساس این روایت می‌توان گفت خاک عنصر اصلی شکل‌گیری تیپ‌های مختلف شخصیتی است و کیفیت روابط و علایق اجتماعی نیز بر این مبنا شکل می‌گیرد.

همچنین در روایات اسلامی رابطه انسان با زمین همچون رابطه فرزند با مادر خود دانسته^۲ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۹۷) و به مهرورزی مادرانه زمین نسبت به انسان اشاره شده است^۳ (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶: ۹) که می‌تواند آشکارا نقش روان‌شناختی زمین در پدیدایی و تحول شخصیت نیز در نظر گرفته شود. گویا می‌توان گفت آنچنان‌که در نظریه‌های تجربی، کیفیت مراقبت، حساسیت و پاسخگویی مادر در سبک دلبستگی^۴ و روابط شیء^۵ در شکل‌گیری و تحول شخصیت کودک مؤثر است (فیست و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰)، کیفیت و شرایط بهره‌مندی انسان از زمین نیز در پدیدایی و تحول شخصیت او اثرگذار خواهد بود؛ در واقع سرزمین‌های پربار و ارضاکننده «بلد طیب» برای ساکنان خود، شخصیت متفاوتی از سرزمین‌های خشک و کم‌بار «بلد خبیث» به دست می‌دهند و در همین چارچوب می‌توان معنای روایت نقل شده از پیامبر اسلام (ص) را تبیین کرد که بیابان نشینی را موجب شکل‌گیری شخصیتی خشک و سخت‌گیر معرفی کرده‌اند^۶ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۰۶). بیابان به عنوان سرزمینی با ارضاکنندگی اندک برای نیازهای مختلف انسان، شخصیتی نابهنجار و غیرمنعطف را به بار خواهد آورد؛ همچنین با توجه به آموزه‌های دینی، سطح پایین زمین، فاصله نزدیک به دریا و بوی بد خاک می‌تواند زمینه پدیدایی نابهنجاری شخصیتی را فراهم آورد. امام علی (ع) در مذمت اهل بصره، همراه با توصیف ویژگی‌های

۱. إِنَّمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِئُ طِينِهِمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا فَلَاقَةً مِنْ سَخِخِ أَرْضٍ وَ عَذِبَهَا وَ حَزَنَ ثُرَيَّةً وَ سَهَّلَهَا فَهُمْ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَفَارِقُونَ وَ عَلَى قَدَرِ اخْتِلَافِهَا يَتَفَارِقُونَ.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَحَفُّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ يَعْمَلُ خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَمَسَّحُوا بِالْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ هِيَ بِكُمْ بَرَّةٌ.

4. Attachment

5. Object relations

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَكَنَ الْبَادِيَةَ جَفَا (لِقَلَّةِ مَخَالَطَةِ النَّاسِ، وَ الْجَفَاءَ غِلظُ الطَّلْعِ).

شخصیتی آنها به خوی پست، پیمان شکنی و دورویی از جمله ویژگی های زیست محیطی آنها را خاک بد، سرزمینی نزدیک آب و دور از آسمان (گودی زمین) معرفی کرده اند^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳: ۵۶).

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش محیط زیست در پدیدایی و تحول شخصیت در نگرش منابع اسلامی طراحی شد. یافته ها نشان می دهد در منابع اسلامی، هوا، آب و خاک به عنوان ارکان اصلی محیط زیست از جمله عوامل مهم پدیدایی و تحول شخصیت انسان معرفی شده است. هوا عنصر اصلی در زیست انسان (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۲۱) و عامل پایداری خلق و خو (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۲۰) و نیرومندی شخصیت (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۹: ۳۱۶) و ضعف و رکود آن (مفضل بن عمر، بی تا: ۱۴۲) معرفی شده است. در منابع اسلامی آب نیز ریشه و اساس پدیدایی انسان (انبیاء/ ۹) و همه ابعاد زندگی او و از جمله شخصیت است. کیفیت آب در تحول مثبت و منفی شخصیت نقش پراهمیتی دارد، چنان که براساس منابع اسلامی صفات شخصیتی پستی، پیمان شکنی و دورویی (نهج البلاغه، خطبه ۱۳: ۵۶)، مطرود بودن و خاری شخصیت (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۹: ۲۲۴) به کیفیت و شرایط آب نسبت داده شده است؛ همچنین در منابع اسلامی، خاک از عوامل مهم در پدیدایی و تحول شخصیت معرفی می شود؛ چنان که خاک عامل اصلی پدیدایی (هود/ ۶۱)، آسایش و آرامش (نبأ/ ۶) و زمینه ثبات شخصیت و فقدان روان آزرده گی آن (اعراف/ ۵۸)، سازگاری و ناسازگاری انسان (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴) و خشک و سخت گیر بودن او (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۰۶) است.

براساس یافته های علمی و آموزه های اسلامی، محیط زیست بخشی از ساختار وجودی انسان و درهم تنیده با ماهیت و سرشت اوست، نه صرفاً عامل بیرونی و پیرامونی انسان. بنابر روایت امام صادق (ع)، هوا عنصر اصلی در آغاز پیدایش هستی است و خلقت قلم، تاریکی، نور، آب، عرش، باد شدید و همه مخلوقات عالم از جمله انسان از هوا آغاز شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۲۱)؛ همچنین در قرآن کریم منشأ حیات و زندگی همه چیز از جمله انسان، آب معرفی شده است.^۲ خاک نیز در قرآن کریم بارها منشأ اصلی و عنصر اولیه خلقت انسان دانسته شده

۱. أَخْلَقَكُمْ دَقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ ... بِأَلَدِكُمْ أَنْتُمْ بِلَادِ اللَّهِ تُرَبُّوا أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ.

۲. وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیاء/ ۳۰).

است؛^۱ با این وصف نمی‌توان گفت محیط زیست صرفاً عوامل پیرامونی زندگی انسان است، بلکه باید آن را بخشی از ماهیت و سرشت انسان دانست که رابطهای عمیق و پیچیده با او دارد. با این حال اغلب نظریه‌های تجربی، محیط زیست را به عنوان عامل بیرونی و پیرامونی انسان دانسته‌اند (گودیه، ۲۰۱۹؛ کومر، ۱۹۷۱ و بنسون، ۱۳۸۲). چنان‌که فرهنگ لغت و اصطلاحنامه محیط زیست، بهداشت و ایمنی ایالات متحده نیز محیط زیست را مجموع شرایط خارجی مؤثر بر زندگی، رشد و بقای یک موجود زنده تعریف کرده است (وزارت انرژی ایالات متحده، ۲۰۲۳). براساس نتایج به دست آمده، دیدگاه‌های فلاسفه و اطبای یونان همچون بقراط (۱۹۶۹: ۷۱ و ۱۶۵)، افلاطون (۱۳۹۸: ۲۱۸۵)، منتسکیو (۱۳۸۹: ۳۹۳)، درباره نقش محیط زیست در پدیدایی و تحول شخصیت، اعتدال خلق و خو و بهنجاری و نابهنجاری شخصیت با آموزه‌های اسلامی همسویی نشان می‌دهد. چنان‌که میتوان گفت فلاسفه و دانشمندان اسلامی نیز همچون فارابی (۱۳۸۸: ۲۷)، ابن سینا (۱۳۸۷: ج ۱، ۲۱۳)، ابن مسکویه (۱۳۸۳: ۱۰۷) و ابن خلدون، (۱۳۷۵: ۷۰-۱۵۰) همسو با منابع اسلامی محیط زیست را عامل پدیدایی شخصیت بهنجار یا نابهنجار معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد به جز نگرش جبرگرایی زیستی^۲ که معتقد است رفتار انسان توسط ژن‌های او یا برخی از اجزای فیزیولوژی آنها کنترل می‌شود (کارترایت^۳، ۲۰۰۰: ۳۴۱-۳۴۳؛ پالمر و تورنهیل^۴، ۱۹۹۰: ۲۰۰۰؛ دیلی و ویلسون^۵، ۱۹۹۶: ۲۲-۲۴، یاس^۶، ۱۹۹۶: ۳۰۹-۳۱۵)، مکاتب مختلف تلویحاً یا تصریحاً و فی‌الجمله همسو با آموزه‌های اسلامی نقش محیط زیست در پدیدایی و تحول مثبت یا منفی شخصیت را پذیرفته‌اند. یافته‌های روانشناسانی همچون ون دولیرت^۷ (۲۰۰۸) که سازگاری و انطباق شخصیت را متأثر از سطح انحراف آب و هوای معتدل^۸ می‌داند با یافته‌های پژوهش حاضر از حدیث امام کاظم (علیه السلام) (کلینی، ۱۳۸۷: ج ۸: ۲۳۰) همسو است؛ همچنین یافته‌های گوتز و همکاران (۲۰۲۰) که نقش محیط زیست بر برون‌گرایی را بررسی کرده، با یافته‌های پژوهش حاضر از روایت نبوی (مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۷۱: ۲۰۶) همسویی نسبی دارد که بیابان‌نشینی را موجب پدیدایی شخصیت

۱. هُوَ أَتَشَأْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَغْمِرْكُمْ فِيهَا (هود/۶۱)؛ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ (حج/۵)؛ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ (روم/۲۰)؛ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ... (فاطر/۱۱)؛ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ... (غافر/۶۷)؛ أَكْفَرْتِ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ... (كهف/۳۷)؛ أَلَمْ تَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (نبا/۶).

2. Biological determinism

3. Cartwright Biological determinism

4. Palmer & Thornhill

5. Daly & Wilson

6. Buss

7. Van de Vliert

8. deviation from temperate climate

دورنگرا و سخت‌گیر معرفی کرده است.

با توجه به آموزه‌های اسلامی و به منظور پیشگیری از پدیدایی شخصیت نابهنجار یا زمینه‌سازی تحول و تغییر مثبت در شخصیت، می‌توان مهاجرت از مناطق زیست محیطی نامطلوب به مناطق مطلوب و معتدل را پیشنهاد کرد. قرآن کریم زمین را پهن‌اور توصیف کرده^۱ و به کسانی که در محیط و شرایط نامناسب به سر می‌برند، دستور مهاجرت داده است.^۲ چنان‌که نویسنده اخلاق در قرآن می‌گوید: در هر عصر و زمان، محیط در ساختن شخصیت و اخلاق انسان‌ها مؤثر بوده است و پاکی و یا ناپاکی محیط، عامل تعیین‌کننده‌ای به شمار می‌رود؛ هرچند مسئله جنبه جبری ندارد؛ بنابراین برای پاکسازی اخلاق و پرورش ملکات فاضله، یکی از مهم‌ترین اموری که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله پاکسازی محیط است و اگر محیط به قدری آلوده باشد که نتوان آن را پاک کرد، باید از چنین محیطی مهاجرت کرد. آیا هنگامی که حیات مادی انسان در یک محیط به خاطر آلودگی به خطر بیفتد از آنجا هجرت نمی‌کند؟ پس چرا هنگامی که حیات معنوی و اخلاقی وی که از حیات مادی ارزشمندتر است به خطر افتد، به عذر اینکه اینجا زادگاه من است، تن به انواع آلودگی‌های خود، خانواده و فرزندانش بدهد و مهاجرت نکند (شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۱۴۹).

در پایان، باید توجه داشت که اگرچه محیط زیست تأثیر مهمی بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، اما از دیدگاه اسلامی انسان موجودی مختار است و می‌تواند با تلاش و خودسازی بر تأثیرات منفی محیط غلبه کند و مسیر رشد و تعالی را پیماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الرضی، الشریف. (۱۳۷۴). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
۳. ابن بابویه، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۶). التوحید. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه. مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد. (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۷). قانون در طب. تحقیق عبدالرحمن شرفکندی، ترجمه ابوالقاسم پاکدامن و محمدرضا غفاری (ویراست ۹). تهران: سروش.

۱. یا عِبَادِی الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِی وَاسِعَةً فَإِذَایَ فَاغْبُذُوا (عنکبوت/ ۵۶).
 ۲. إِنَّ الَّذِینَ تَوَفَّیْهُمْ الْمَلَائِکَةُ ظَالِمِی أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِیمَ کُنْتُمْ قَالُوا کُنَّا مُسْتَضْعَفِینَ فِی الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِیْهَا فَأُولَئِکَ مَأْوِیْهِمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِیرًا (نساء/ ۹۷).

۷. ابن شعبه حرانی، علی بن حسین. (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي.
۸. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۳). تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق: حکمت عملی. ترجمه مهدي نجفی افرا. قم: نورالثقلین.
۹. افلاطون. (۱۳۹۸). دوره آثار افلاطون. ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویان (ویراست ۲). تهران: خوارزمی.
۱۰. بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «درآمدی بر نظریه شخصیت بر مبنای اندیشه دینی». روان شناسی و دین. دوره پنجم. شماره ۱۷. صص: ۵-۳۶.
۱۱. بقرات. (۱۹۶۹). أبقراط في الأمراض البليدية. Cambridge Middle East Centre.
۱۲. بنسون، جان. (۱۳۸۲). اخلاق محیط زیست. ترجمه عبدالحسین وهاب زاده. مشهد: جهاد دانشگاهی (واحد مشهد).
۱۳. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۷۸). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۵. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
۱۶. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۳۷۱). قرب الإنسان. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۱۷. دورانیت، ویل. (۱۳۹۹). لذات فلسفه: پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر. ترجمه عباس زریاب خویی (ویراست ۲). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. راس، آلن. (۱۳۹۲). روان شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرآیندها). ترجمه سیاوش جمال فر. تهران: روان.
۱۹. راوندی کاشانی. فضل الله بن علی (۱۳۷۶). النوادر. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۲۰. شجاعی، محمدصادق. (۱۴۰۱). روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۱. شکوئی، حسین. (۱۳۸۲). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۴). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. قم: مکتبه المرتضویه.
۲۵. عارف، تامر. (۱۹۹۲). رسائل إخوان الصفاء. بیروت: الدار الإسلامیه.
۲۶. فارابی، محمد بن محمد. (۱۳۸۸). فصول منتزعه. ترجمه حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
۲۷. فخر رازی. محمد بن عمر. (۱۴۱۱). التفسیر الکبیر. قم: دارالکتب العلمیه.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. بیروت: مؤسسه دارالهجره.
۲۹. فیست، جس؛ فیست، گرگوری جی و رابرتس، تامی آن. (۱۳۹۴). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: روان.
۳۰. کاوندی، سحر و شاددل، طیب. (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل جغرافیایی بر اخلاق». اخلاق زیستی. دوره سوم. شماره ۹. صص: ۸۹-۱۲۱.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). الکافی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۲. ماتسوموتو، دیوید و جوانگ، لیندا. (۱۴۰۰). فرهنگ و روان شناسی. ترجمه فرهاد جمهری، هامایاک آوادیس یانس، داود عرب قهستانی و فرید برایی سده (ویراست ۶). تهران: رشد.
۳۳. مای‌لی، ریچارد و ربرتو، پ. (۱۳۸۷). ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت (به انضمام مفهوم فراکنی، تست رورشاخ). ترجمه محمود منصور. تهران: دانشگاه تهران.
۳۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۸). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مفضل بن عمر. (بی‌تا). توحید المفضل. قم: مکتبه الداوری.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
۳۷. منتسکیو، شارل لوئی دوسکوندا. (۱۳۸۹). روح القوانين. ترجمه علی اکبر مهدی. تهران: کتاب آمه.
۳۸. نوروزی، حمید. (۱۳۸۳). «سرشت انسان؛ خیر یا شر؟». معرفت. دوره سیزدهم. شماره ۷۸. صص: ۶۸-۷۴.
39. Adorno, T. W.; Frenkel-Brunswik, Else; Levinson, Daniel J. & Sanford, R. Nevitt. (1950). The authoritarian personality. Harpers.
40. Allik, Jüri & McCrae, Robert R. (2004). Toward a Geography of Personality Traits: Patterns of Profiles Across 36 Cultures. Journal of Cross-Cultural Psychology, 35(1), 13-28. <https://doi.org/10.1177/0022022103260382>.
41. Allik, Jüri; Realo, Anu; Möttus, René; Pullmann, Helle; Trifonova, Anastasia & McCrae, Robert R. (2009). Personality traits of Russians from the observer's perspective. European Journal of Personality, 23(7), 567-588. <https://doi.org/10.1002/per.721>.
42. Bass, Bernard M. & Bass, Ruth. (2009). The Bass Handbook of Leadership: Theory, Research, and Managerial Applications. Simon and Schuster.
43. Briley, Daniel A. & Tucker-Drob, Elliot M. (2014). Genetic and Environmental Continuity in Personality Development: A Meta-Analysis. Psychological Bulletin, 140(5), 1303-1331. <https://doi.org/10.1037/a0037091>.
44. Buchanan, William & Cantril, Hadley. (1953). How Nations See Each Other: A Study in Public Opinion. Uni-

- versity of Illinois Press.
45. Buss, David M. (1996). Sexual conflict: Evolutionary insights into feminism and the "battle of the sexes." *Sex, Power, Conflict: Evolutionary and Feminist Perspectives.*, 296-318.
 46. Cartwright, John. (2000). *Evolution and Human Behavior: Darwinian Perspectives On Human Nature*. Politics and the Life Sciences, 19(2), 287-288. <https://doi.org/10.1017/S0730938400014969>.
 47. Ciani, Andrea Camperio & Capiluppi, Claudio. (2011). Gene Flow by Selective Emigration as a Possible Cause for Personality Differences between Small Islands and Mainland Populations. *European Journal of Personality*, 25(1), 53-64. <https://doi.org/10.1002/per.774>.
 48. Commoner, Barry. (1971). *The Closing Circle: Nature, Man, and Technology*. Knopf.
 49. Conway, Lucian Gideon; Houck, Shannon C. & Gornick, Laura Janelle. (2014a). Regional differences in individualism and why they matter. In *Geographical psychology: Exploring the interaction of environment and behavior*. (pp. 31-50).
 50. Conway, Lucian Gideon; Houck, Shannon, C. & Gornick, Laura Janelle. (2014b). Regional differences in individualism and why they matter. *Geographical Psychology: Exploring the Interaction of Environment and Behavior.*, 31-50. <https://doi.org/10.1037/14272-003>.
 51. Daly, Martin & Wilson, Margo. (1996). Evolutionary psychology and marital conflict: The relevance of step-children. *Sex, Power, Conflict: Evolutionary and Feminist Perspectives.*, 9-28.
 52. Elleman, Lorien G.; Condon, David M.; Russin, Sarah E. & Revelle, William. (2018). The personality of U.S. states: Stability from 1999 to 2015. *Journal of Research in Personality*, 72, 64-72. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2016.06.022>
 53. Energy, U.S.D. (2023). *Dictionary & Thesaurus of Environment, Health & Safety*. CRC Press.
 54. Erikson, Erik Homburger. (1950). *Childhood and Society*. Brill Schöningh, 116-118.
 55. Feist, J.; Feist, G. & Roberts, T.A. (2014). *Theories of Personality* (8th ed.). McGraw-Hill Education.
 56. Garling, T. & Golledge, R. G. (1993). *Behavior and Environment: Psychological and Geographical Approaches*. Elsevier.
 57. Götz, Friedrich M.; Ebert, Tobias & Rentfrow, Peter J. (2018). Regional Cultures and the Psychological Geography of Switzerland: Person-Environment-Fit in Personality Predicts Subjective Wellbeing. *Frontiers in Psychology*, 9. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00517>
 58. Götz, Friedrich M.; Stieger, Stefan; Gosling, Samuel D.; Potter, Jeff & Rentfrow, Peter J. (2020). Physical topography is associated with human personality. *Nature Human Behaviour*, 4(11), 1135-1144. <https://doi.org/10.1038/s41562-020-0930-x>
 59. Goudie, Andrew. (2019). The Human Impact on the Natural Environment. In *Transactions of the Institute of British Geographers* (Vol. 17, p. 511).
 60. Hippocrates. (2009). *On Airs, Waters and Places*. (F. Adams, Ed.). Lulu Press.
 61. Inkeles, Alex; Hanfmann, Eugenia & Beier, Helen. (1958a). Modal personality and adjustment to the Soviet socio-political system. *Human Relations*, 11, 3-22. <https://doi.org/10.1177/001872675801100101>
 62. Inkeles, Alex; Hanfmann, Eugenia & Beier, Helen. (1958b). Modal personality and adjustment to the Soviet socio-political system. *Human Relations*, 11, 3-22. <https://doi.org/10.1177/001872675801100101>
 63. Kandler, Christian. (2012). Nature and Nurture in Personality Development: The Case of Neuroticism and Extraversion. *Current Directions in Psychological Science*, 21(5), 290-296. <https://doi.org/10.1177/0963721412452557>.
 64. Larsen, Randy J. & Buss, David M. (2017). *Personality psychology: Domains of knowledge about human nature*. (A. Wismeijer, J. Song, & S. M. van den Berg, Eds.). McGraw Hill Education.
 65. McAdams, Dan P. & Olson, Bradley D. (2010). Personality development: continuity and change over the life course. *Annual Review of Psychology*, 61, 517-542. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.093008.100507>.
 66. McClelland, David C. (1961). *Achieving Society*. Simon and Schuster.
 67. McCrae, Robert; Costa, Paul; Ostendorf, Fritz; Angleitner, Alois; Hrebicková, Martina; Avia, Maria; Sanz, Jesús; Sánchez-Bernardos, M. L.; Kuşdil, M.; Woodfield, Ruth; Saunders, Peter & Smith, Peter. (2000). Nature Over Nurture: Temperament, Personality, and Life Span Development. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 173-86. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.78.1.173>.
 68. Murray, Damian R. & Schaller, Mark. (2014). Pathogen prevalence and geographical variation in traits and behavior. In *Geographical psychology: Exploring the interaction of environment and behavior*. (pp. 51-70).
 69. Obschonka, Martin; Fritsch, Michael & Stuetzer, Michael. (2021). *The Geography of Entrepreneurial Psychology*. Edward Elgar Publishing.
 70. Oishi, Shigehiro; Talhelm, Thomas & Lee, Minha. (2015). Personality and Geography: Introverts Prefer Mountains. *Journal of Research in Personality*, 58. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2015.07.001>.
 71. Palmer, Craig T. & Thornhill, Randy. (2000). *A Natural History of Rape: Biological Bases of Sexual Coercion*. The MIT Press.
 72. Plaut, Victoria C.; Markus, Hazel Rose & Lachman, Margie E. (2002). Place matters: consensual features and regional variation in American well-being and self. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(1), 160-184.

73. Rentfrow, Peter J. (ed.). (2014a). Geographical differences in personality. *Geographical Psychology: Exploring the Interaction of Environment and Behavior*, 115-137. <https://doi.org/10.1037/14272-007>
74. Rentfrow, Peter J. (2014b). *Geographical Psychology*. American Psychological Association.
75. Rentfrow, Peter J.; Jokela, Markus & Lamb, Michael E. (2015). Regional personality differences in Great Britain. *PloS One*, 10(3), e0122245. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0122245>.
76. Roberts, Brent; Lodi-Smith, Jennifer & Wood, Dustin. (2005). Evaluating Five Factor Theory and social investment perspectives on personality trait development. *Journal of Research in Personality*, 39, 166-184. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2004.08.002>.
77. Shackelford, Todd K. & Zeigler-Hill, Virgil. (2020). *Encyclopedia of personality and individual differences*. Springer.
78. Talhelm, T.; Zhang, X.; Oishi, S.; Shimin, C.; Duan, D.; Lan, X. & Kitayama, S. (2014). Large-scale psychological differences within China explained by rice versus wheat agriculture. *Science (New York, N.Y.)*, 344(6184), 603-608. <https://doi.org/10.1126/science.1246850>.
79. Van de Vliert, Evert. (2008). *Climate, Affluence, and Culture*. Cambridge University Press.
80. Vliert, Evert & Yang, Huadong. (2013). Where on Earth do collectivists live? Climato-economic impacts on ingroup love and outgroup hate.
81. Xu, Liang; Luo, Yanyang; Wen, Xin; Sun, Zaoyi; Chao, Chiju; Xia, Tianshu & Xu, Liuchang. (2022). Human Personality Is Associated with Geographical Environment in Mainland China. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(17). <https://doi.org/10.3390/ijerph191710819>.